

بسم الله الرحمن الرحيم

## مصیبت امام حسین (علیه السلام) بعد از شهادت

### عزاداری حضرت رسول اکرم (صلي الله عليه وآله)

ابن عباس نقل میکند روزی درخانه خود خواب بودم ناگهان صدای صیحه وناله عظیمی از منزل ام سلمه زوجه پیامبر خارج شد پس من به سرعت به خانه او شتافتم پس چون بدانجا رسیدیم به او گفتم: ای مادر مومنین تو را چه میشود که این چنین فریاد و ناله میکنی جوابی به من نداد و رو کرد به زنان هاشمی وگفت ای دختران عبدالمطلب درگریه ونوحه سرانی مرا یاری کنید زیرا آقاي شما و سید جوانان اهل بهشت را شهید کردند گفتم: ای مادرمومنان ازکجا این خبر را دانستی؟ گفت: هم اکنون پیغمبرخدا (صلي الله عليه وآله) را درخواب دیدم درحالیکه بسیاراندوهگین و خاك آلود بود عرض کردم: ای رسول خدا (صلي الله عليه وآله) و آله (این چه حالی است که شما دارید؟ ایشان فرمودند: فرزندم حسین (علیه السلام) و اهل بیتش کشته شدند و من اکنون ازدفن ایشان می آیم. بحار، ج 45، ص 230 و امالی طوسی ج 1 ص 321

### عزاداری حضرت زهرا (سلام الله عليها)

حضرت زهرا (سلام الله عليها) هرروز حتی دراعیاد مجلس عزاداری برپا می سازند آن مکرمه هنگامیکه ازآسمان به حرم فرزندش حسین (علیه السلام) نظر می نمایند فریاد کشیده به طوریکه تمام ارکان موجودات آسمانها و زمین به لرزه درمی آید تا اینکه پیامبر خدا (صلي الله عليه وآله) نزد ایشان آمده و بی دو عالم را آرام می نمایند و در حق زوار فرزندش حسین (علیه السلام) دعامیکنند. بحار، ج 45، ص 225 و کامل الزیارات ب 27 ص 87

بسیاری از علما و سادات جلیل القدر نیز آن بانو رادرخواب دیده اند که دررثای فرزند گرامیش عزاداری می نماید.

### عزاداری ما سوي الله

چون سرآزیدن آن بزرگوار جداساختند مجلس عزا درتمام ماسوي الله برپاشد آسمان به اندازه ای تیروسیه شد که درروزستاره ها دیده شدند وهرسنگی که برمیداشتند خون تازه درزیرش بود آفتاب سیاه و تیره گون گشت و احوال به صورتی درآمد که مردم گمان کردند رستاخیزاست. صواعق ابن حجر

ازآسمان خون بارید. و ملائکه ازتسبیح بازمانده. و ازدرختان خون جاری شد. زمین به لرزه و کوهها مضطرب گشتند. تمام وحوش صحرا از شب یازدهم تا صبح گردنها را کشیده و گرد جسد حضرت سید الشهداء (علیه السلام) نوحه سرایی کرده و گریستند. مردان و زنان نیز گرد جسد مبارکش جمع شدند و به مرثیه سرایی و عزاداری پرداختند.

((بحار، ج 45، ص 204 و کامل الزیارات ب 24 ص 77 - بحار، ج 45، ص 221 - بحار، ج 45، ص 234 - بحار، ج 45، ص 315 - بحار، ج 45، ص 205 - بحار، ج 45، ص 193))

### مرثیه سرانی حضرت زینب (سلام الله عليها) و اقامه عزاداری ابا عبدالله الحسین (علیه السلام)

بی بی زینب (سلام الله عليها) نیز به قتلگاه آمده و پس ازآنکه بدن پاره پاره برادر را یافت به مرثیه سرانی پرداخت که تمام اهل بیت و حتی لشکریان کفر نیز گریستند. بحار، ج 45، ص 58

هنگامیکه قافله اسراء وارد کوفه گشت حضرت زینب (سلام الله عليها) و ام کلثوم و فاطمه صغری و حضرت سجاد (علیه السلام) به ذکر مصائب امام حسین (علیه السلام) پرداختند آنقدر جانسوز اقامه عزا نمودند که اهل کوفه از زن و مرد صدای شیونشان بلند شد و خاك بر سر خود ریختند. لهوف، ص 69، 63

کاروان اسراء و اسیران آل الله در مسیر حرکت خود از کربلا تا شام و از آنجا تا مدینه در هر مکانی به ذکر مصائب ابا عبدالله (علیه السلام) پرداخته و مجالس سوگواری بر پا می ساختند. و حضرت زینب (س) مکرر روضه خوانی می کرد، از جمله در کوفه در هنگامی که سر بریده برادرش حسین را دید، با اشعاری، مرثیه سرانی نمود:

ما تَوَهَّمْتُ يَا شَقِيقَ فُؤَادِي كَأَنَّ هَذَا مُقَدَّرًا مُتُوبًا

"ای برادر و ای آرام قلبم هیچگاه گمان نمی بردم که این گونه مقدر شده باشد که سر بریده ات در برابر من قرار گیرد. منهاج الدموع ص 209

## مرثیه سرائی حضرت سجاد (علیه السلام)

امام سجاد (علیه السلام) در مجلس یزید در مسجد شام بر بالای منبر رفته و خطبه ای ایراد فرمودند و در آنجا به مرثیه سرائی پرداخته و مصائب ایشان را بازگو کردند سپس فرمودند: منم پسر آن کسی که سرش را از قفا بردند منم پسر آن کسیکه عمامه وردایش را از تنش بیرون آوردند...

در این هنگام صدای گریه و صیحه ازاهل شام و بی امیه بلند شد. مقتل خوارزمی، ج 2، ص 69

امام سجاد (علیه السلام) بارها روضه خواند و حتی سالها بعد از واقعه کربلا می گفت و گریه میکرد و دیگران را می گریاند.

امام صادق (علیه السلام) فرمود: امام سجاد (علیه السلام) چهل سال بر پدرش گریست، و در این مدت روزها را روزه داشت و شبها را به عبادت به سر میبرد. هنگام افطار وقتی غذا نزدش می آوردند و می گفتند بفرمایید میل کنید، اشک می ریخت و می فرمود:

قُتِلَ ابْنُ رَسُولِ اللَّهِ جَائِعاً، قُتِلَ ابْنُ رَسُولِ اللَّهِ عَطْشَاناً.

"حسین فرزند رسول خدا (ص) گرسنه و تشنه کشته شد." و این مطلب را تکرار میکرد و گریه می نمود به طوری که غذا و نوشیدنی هایش با قطرات

اشک او می آمیخت، او همواره این گونه می زیست تا به لقاء الله پیوست. لهوف ص 209

آن حضرت وقتی که قصای را میدید گوسفندی را ذبح میکند، به یاد امام حسین (علیه السلام) می افتاد و می فرمود: آب به گوسفند بدهید، پدرم را با لب تشنه سر بردند، و در پاسخ یکی از خادمان که از روی دلسوزی به او گفت: گریه نکنید که به خطر می افتید، فرمود:

حضرت یعقوب پیغمبر بود، از دوازده فرزند داشت، یکی از آنها (یوسف) غایب گردید، با اینکه می دانست او زنده است، آنقدر از فراق او گریست

چشمانش سفید شد ولی من اجساد پاره پاره پدر، برادران و عموها و دوستانم را دیدم، چگونه غم و اندوه من پایان یابد؟ من هر وقت به یاد آنها می

افتم، بی اختیار قطرات اشک از چشمانم سرازیر می شود. مقتل مقرر ص 477

## مجلس عزاداری ائمه (علیهم السلام)

طبق روایات متعدد ائمه اطهار (علیهم السلام) بعد از واقعه کربلا به برپائی مجالس عزاداری سرور و سالار شهیدان بسیار بها داده و علی رغم فشارهای بسیار زیادی که از سوی حکام جور برایشان وارد می شد در بیشتر اوقات خود مصائب جانگداز واقعه کربلا را برای مردمان بیان می نمودند.

## عزاداری امام زمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف) در عزای جد غریب خویش

خاطره کربلا بسیار جانسوز و غمبار است هیچکس عمق آن فاجعه را مانند امام زمان (علیه السلام) درک و لمس نمی کند آن حضرت به یاد مصائب جانگداز و جگر سوز امام حسین (علیه السلام) بیاناتی دارد که در اینجا به چند فراز از آن که از زیارت ناحیه مقدسه گرفته شده می پردازیم در فرازی می فرماید:

لَنْ أَخْرَتِي الْدُهْرُ وَعَاقِي عَنْ نَصْرِكَ الْمَقْدُورُ لَا بَكَيْتِكَ صَبَاحًا وَ مَسَاءً فَلَا تَدُبُّنَكَ صَبَاحًا وَ مَسَاءً وَلَا بَكَيْتِكَ عَلَيَّ حَتَّى بَدَلَ الدُّمُوعَ دَمًا

اگر زمانه مرا تاخیر انداخت و مقدرات مرا از یاری تو جلوگیری کرد صبح و شب به یاد مصائب تو گریه می کنم و از بام تا شام سرشک از دیده می بارم و

ندبه می نمایم و بجای اشک خون می گریم

أمر اللعين جُنُودَهُ فَمَنْعُوكَ الْمَاءَ وَزُودَهُ وَ نَاجَزُوكَ الْقِتَالَ وَعَاجَلُوكَ النِّزَالَ وَ شَفُّوكَ بِالسَّهَامِ وَ النَّبَالَ فَاحْدُقُوا بَكَ مِنْ كُلِّ جِهَاتٍ وَ اتَّخَذُوا بِالْجِرَاحِ  
ای جد بزرگوار فراموش نمی کنم آن هنگام را که عمر سعد ملعون به لشکرش فرمان داد که از ورود آب به خیام جلوگیری نمایند و با تو بجنگند و به تو حمله کنند و بدن نازنینت را آماج تیرها و نیزه ها قرار دهند و از هر سو تو را محاصره کردند و هر کدام با اسلحه ای پیکرت را مجروح ساختند و داغ زخم را بر بدنت نهادند.

وَ أَسْرَعَ فَرَسِكَ ارِدَا إِلَيَّ خِيَامَكَ قَاصِدًا مَحْمُومًا بَاكِيًا وَ هِيَ تَقُولُ الظَّالِمَةُ مِنْ أُمَّةٍ قَتَلَتْ ابْنَ بِنْتِ نَبِيِّهَا

ای جد بزرگوار فراموش نکنم آن هنگام را که اسب بی صاحبت رمیده به سوی خمیه های تو آمد همه می کرد و سرشک اشک از چشمانش سرازیر بود

و (با زبان بی زبانی) می گفت: وای از این ظلم و ستم امتی که پسر دختر پیامبرشان را کشتند

فَلَمَّا زَايَنَ النِّسَاءَ جَوَادِكَ مَخْزِيًا وَ نَظَرْنَ سِرْجَكَ عَلَيْهِ مَلُوبًا بَرَزْنَ مِنَ الْخُدُورِ نَاشِرَاتُ الشُّعُورِ لَا طَمَاتَ الْخُدُودِ سَافِرَاتُ الْوُجُوهِ بِالْعَوِيلِ دَاعِيَاتٌ وَ بَعْدَ الْعِزِّ مَذَلَّلَاتٌ وَ إِلَيَّ مُصْرَعَكَ مَبَادِرَاتُ وَ الْمُرْجَالِسُ عَلَيَّ صَدْرَكَ مُوَلِّعٌ سَيْفَهُ عَلَيَّ نَحْرَكَ....

ای جد بزرگوار چگونه یاد بیاورم آن منظره دلخراش را که بانوان حرمت اسب تو را خوار و شرمند دیدند که زینش واژگون شده است از خیمه ها بیرون آمدند در حالی که موهای خود را پریشان نموده و سیلی بر چهره خود می زدند و صورتهایشان آشکار شده بود فریاد و فغانشان بلند بود چرا که عزت خود را از دست داده بودند با آن حال به سوی قتلگاه شتافتند دیدند شمر بر سینه ات نشسته و شمشیر خود را بر گلویت گذارده و می خواهد سرت را از بدنت

جدا سازد

فَهَوَّيْتُ إِلَيَّ الْأَرْضَ جَرِيحًا تَطْوُكُ الْخَيُْولُ بِجَوَافِرِهَا وَ تَغْلُوكُ الطُّغَاةُ بِبَوَاتِرِهَا قَدَّرَ شَحَّ لِمَوْتِ جَبِينِكَ وَ اخْتَلَفَ بِالْإِلْبَاسِ شِمَالِكَ وَ

يَمِينِكَ....

ای جد بزرگوار چگونه یاد بیاورم آن هنگام که پیکر پر از زخم بر زمین قرار گرفت گروهی سرکش بر اسبهای خود سوار شدند و پیکرت را لگد کوب

اسبها قرار دادند درحالی که لحظات آخر عمر را می پیمودی و راه به جانان نزدیک می نمودی

وَسَيِّئَ أَهْلِكَ كَالْعَبِيدِ وَصَفَدُوا بِالْحَدِيدِ فَوْقَ اقْتَابِ الْمُطَيَّاتِ تَلْفَحُ وَجوهَهُمْ حَرَّ الهَاجِرَاتِ يُسَاقُونَ فِي الْبَرَارِي وَالْفَلَوَاتِ أَيْدِيَهُمْ مَغْلُولَةٌ إِلَى الْإِعْنَاقِ يَطَافُ بِهِمْ فِي الْأَسْوَاقِ قَوْلِيلٌ لِلْعَصَاةِ الْفَسَاقِ.....

ای جد بزرگوار فراموش نمی کنم آن هنگام را که پس از شهادت افراد خانواده ات را مانند بردگان اسیر کردند و زنجیر آهنین به آنها بستند و آنها را بر فراز شتران تندر و بی سرپوش و فاقد محمل (با کمال بی احترامی) سوار نمودند که پوست صورتشان از شدت گرمای سوزان سوخت آنها در بیابانها و راهها سیر داده شدند دستهایشان را به گردنهایشان بستند و در کوجه ها و میدانها عبور دادند وای بر آن مردم گنهکار و بی شرم. فقام ناعيك إلیه بالدمع الهطول قائلا یا رسول الله قتل سبطك وفناك واستبيح أهلك و حمامك و سببت بعدك ذاريك و وقع المحذور بعترتك و ذوبك فانزعج الرسول و بكي قلبه المهول....

خبر شهادت تو را در کنار قبرجنت رسول خدا (ص) (بشیر) به او داد درحالی که گریان بود عرض کرد: ای رسول خدا(ص) سبط تو کشته شد و من خبر شهادت فرزندت را آورده ام زاده جوانمردت کشته گردید ای رسول خدا (ص) فرزندان و نزدیکان خاندانت با سختی و محنت دست به گریبان و اسیر دشمنان گردیدند رسول خدا (ص) از این خبر متقلب و گریان شد و قلب داغدارش پر درد گردید الحوادث والوقایع ج3 ص301 و304

### سلامها و درودهای امام زمان (علیه السلام)

حضرت ولی عصر (علیه السلام) در مورد دیگر با سلام و درود از امام حسین (علیه السلام) یاد کرده و بر هر یک از اعضا آن امام همام سلام و درود می فرستد. و در فرازهای آن بطور کوتاه از بعضی مصائب جد مظلوش امام حسین (علیه السلام) یاد کرده است گاهی می فرماید:

السَّلَامُ عَلَيَّ الْمُغْسَلِ بِدَمِ الْجِرَاحِ

سلام بر کسی که با خون زخمهایش غسل داده شد.

السَّلَامُ عَلَيَّ الْمُجْرَعِ بِكَاسَاتِ الرِّمَاحِ

سلام بر کسی که با جامه های نیزه و شمشیر شربت شهادت به کامش ریخته شد.

السَّلَامُ عَلَيَّ الْمُقْطُوعِ الْوَتِينِ

سلام بر کسی که رگهای قلبش با تیر دشمن بریده شد

السَّلَامُ عَلَيَّ الشَّيْبِ الْخَضِيبِ السَّلَامُ عَلَيَّ الْخَدِّ التَّرِيبِ

سلام بر کسی که محاسنش به خون خضاب شد سلام بر چهره برخاک نهاده ات

السَّلَامُ عَلَيَّ الْبَدَنِ السُّلَيْبِ

سلام بر آن بدن برهنه که لباسهایش را غارت کردند

السَّلَامُ عَلَيَّ النَّعْرِ الْمَقْرُوعِ بِالْقَضِيبِ

سلام بر دندانانی که با چوب خیزران کوبیده شد

السَّلَامُ عَلَيَّ الرَّأْسِ الْمَرْفُوعِ

سلام بر سر برفراز نیزه

السَّلَامُ عَلَيَّ الشَّفَاهِ الدَّابِلَاتِ

سلام بر آن لبهای تشنه کام و خشکیده

السَّلَامُ عَلَيَّ الْأَعْضَاءِ الْمُقْطَعَاتِ

سلام بر اعضای بریده بریده شده

السَّلَامُ عَلَيَّ الرَّؤُوسِ الشَّامِلَاتِ

سلام بر سرهای برفراز نیزه که شهر به شهر گردانده شدند

السَّلَامُ عَلَيَّ النَّسْوَةِ الْبَارِزَاتِ

سلام بر بانوانی که اسیر و دریدر شدند. الحوادث والوقایع ص305 و307

### روز قیامت و مجلس عزاداری امام حسین (علیه السلام)

حضرت فاطمه زهرا (سلام الله علیها) وارد بهشت نمیشود تا آنکه قاتلین امام حسین (علیه السلام) عذاب شوند رسول خدا (صلي الله عليه وآله) فرمود: چون روز قیامت شود فاطمه (سلام الله علیها) در میان جماعتی از زنان وارد محشر شود فرمان رسد که به بهشت داخل شود ولی او می گوید: به بهشت نمی روم تا اینکه بدانم پس از من با فرزندم حسین (علیه السلام) چه کردند خطاب رسد: بقلب محشر نظر کن پس بدان سونظر افکند و فرزندش حسین (علیه السلام) را می بیند که با تنی بی سرایستاده است پس شیونی می کشد و من از شیون او شیون میکنم و همه کروبیان از فغان و ناله ما بخروش آیند

و خداوند بخشم آید و آتشی را که نامش هبهب است و آنرا هزارسال دمیده اند تا آنکه سیاه گشته و هرگز نسیمی بدان راه نیافته و اندوهی از آن جدا نمی شود فرمان دهد که قاتلین حسین ( علیه السلام ) را اگرچه از حاملین قرآن باشند درکام خود فرو گیرد پس آن آتش شراره ای کشد و همه را درکام خود گیرد پس بخروشد و آنان با خروش او بخروشد و نعره کشد و آنان به همراه او نعره کشند و بغرد و آنها نیز بغرند پس قاتلین بسخن آیند و بازبانی باز گویند: پروردگارا از چه جهت این آتش را پیش از آنکه مشرکان و بت پرستان را عقوبت کنی بر ما مسلط ساختی ؟

از جانب خداوند خطاب رسد بدرستی که آنکه می داند با کسی که نمی داند یکسان نیست. مثیر الاحزان ص 81